



CODENAME ANASTASIA

Violet

Mako & Argus

Violet & Aila

....

Medea

صدای زمزمه‌ی
مبهمی رو می‌شنوسم.

ع
س
ز

و بوی الکل توی
مشامم می‌پیچه...

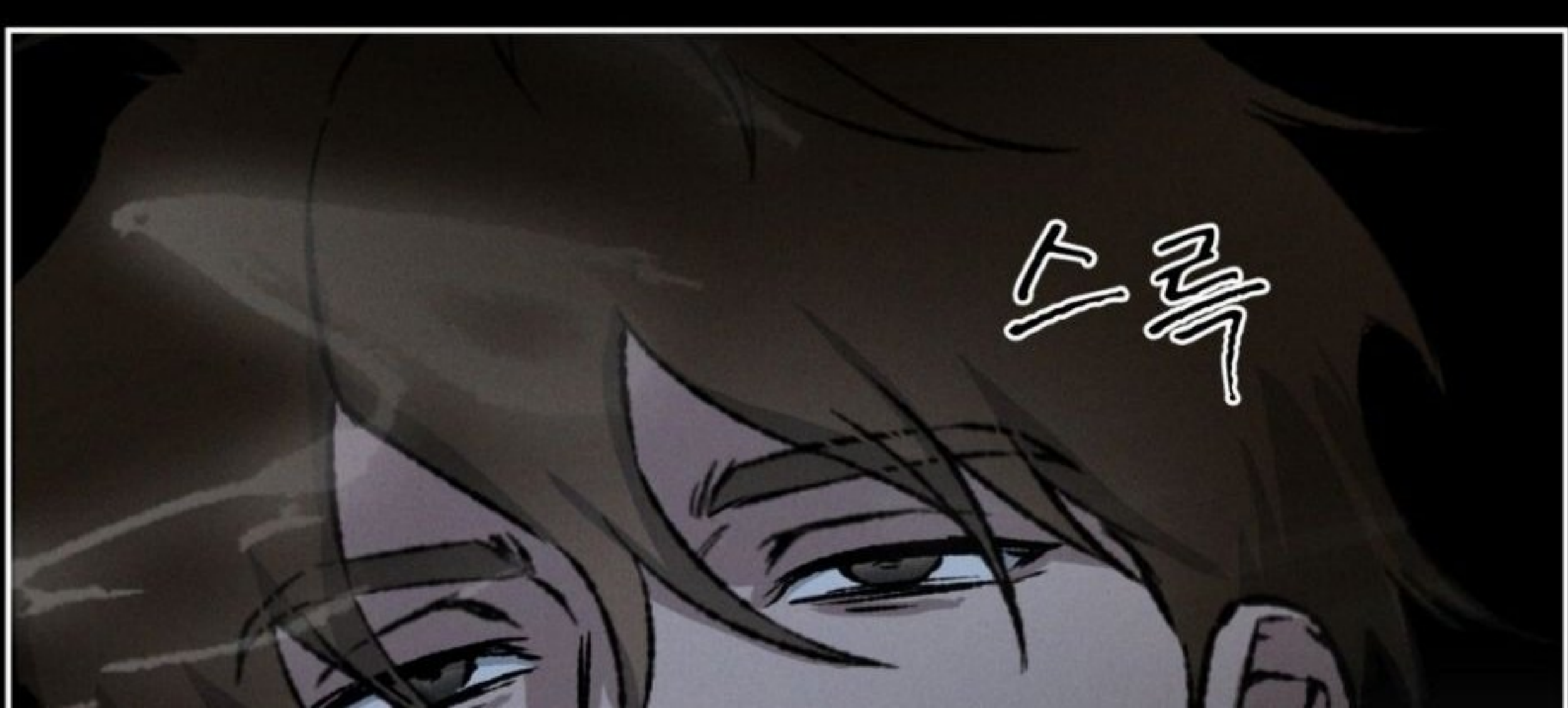
کو
کو
کو



찰근

찰근

قولی که به
پدرت دادی رو
فراموش نکن.



스룩



یعنی واقعا
دارم می‌میرم؟



واسه همینه که می‌تونم
ارواح مرده رو ببینم و حتی
صداشون رو بشنوم؟



اینجا چه
خبره...



아
아
아



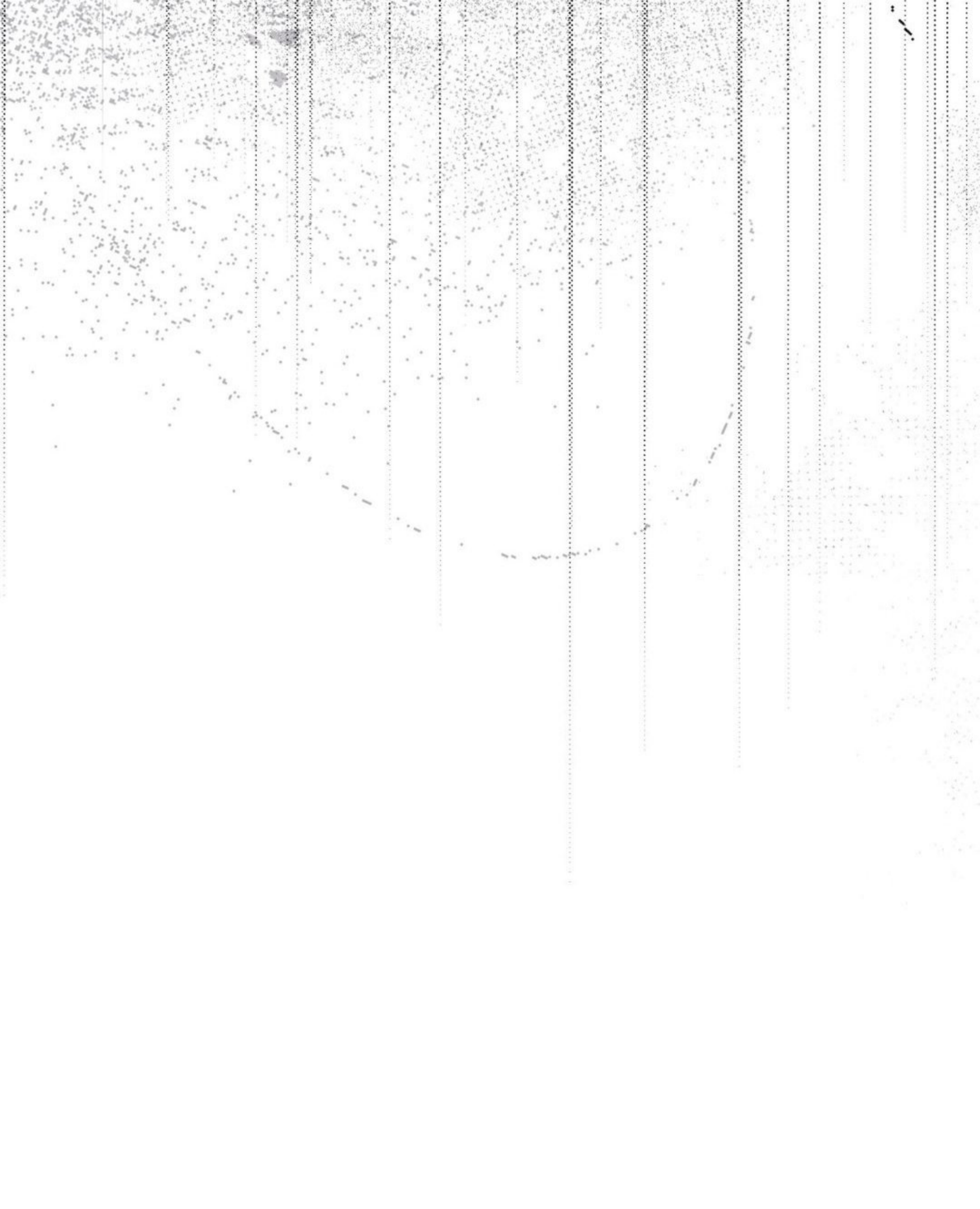
아

아

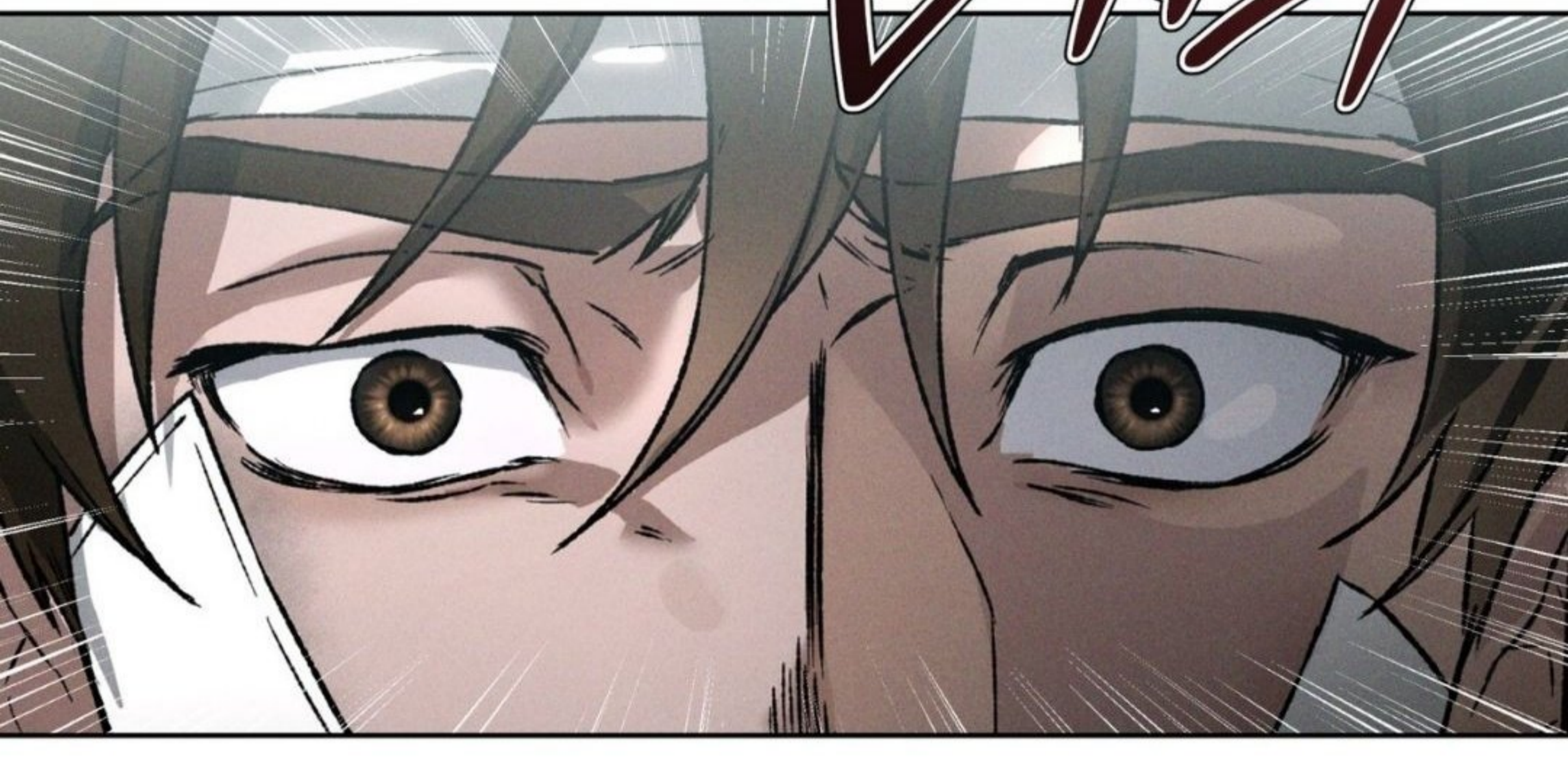


خرگوش
کوچولوی
احمق.





번쩍



اینجا...
بیمارستانه؟

흐릭...

سرم داره
کیج می ره.

지끈

지끈

چقدرشون
توهم بود و چقدرشون
واقعیت...؟

بالاخره بیدار
شدی؟



این دیگه
کیه؟ چرا کل بدنم درد
می کنه...؟

چهره اش
آشناست...

امکان نداره...

این همون
مردیه که توی روز
حمله به هتل، دنبالم
می‌کرد؟



اون موقع
مطمئن بودم کار
سایک بوگدانوف
بوده.

تو کی
هستی؟

چقدر
عجولی.



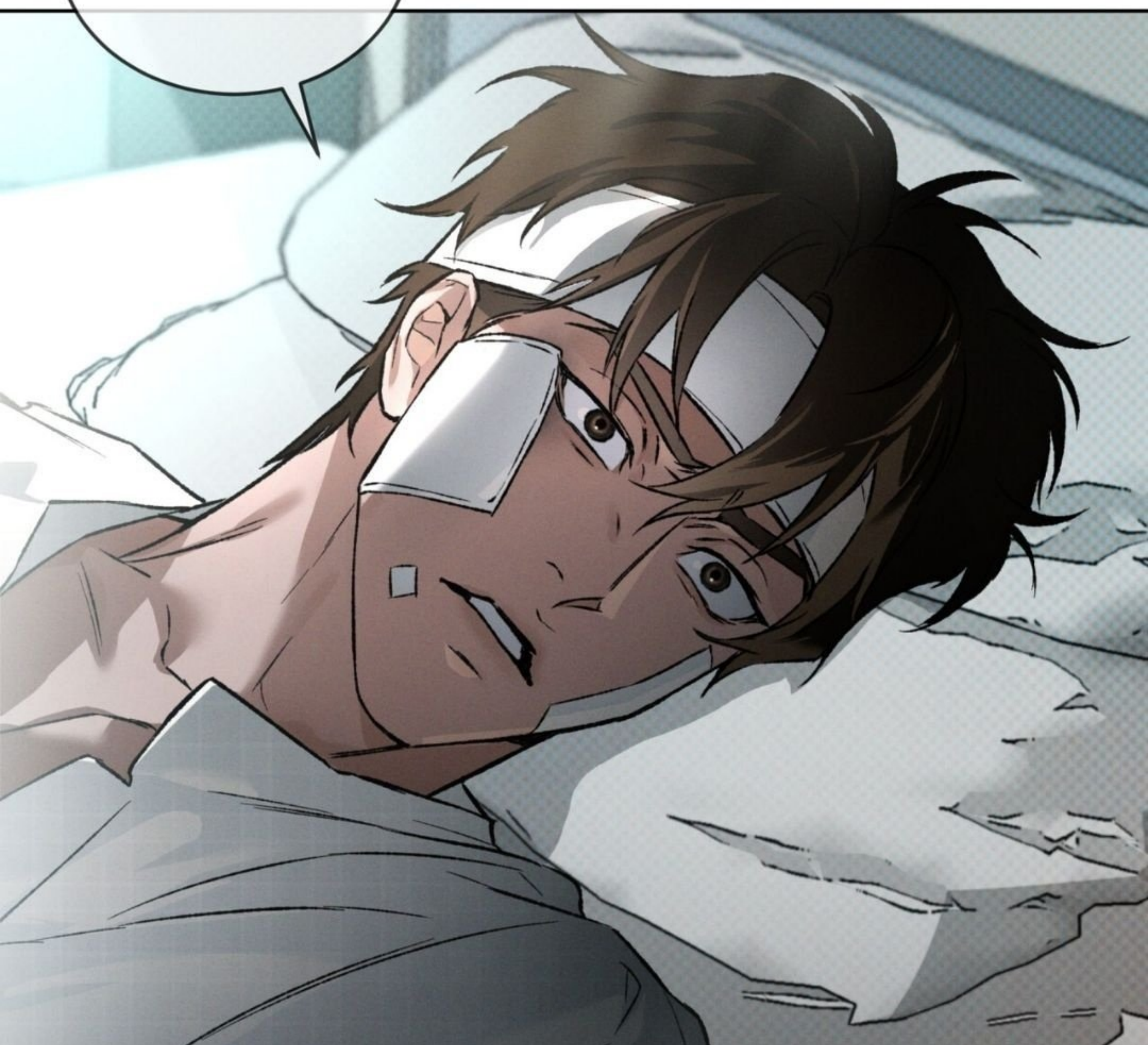
بالاخره که
باید از یکی سوال هام
رو پپرسم.

FZZZZ

آه، همچین
چیزی ممکن
نیست.

همکارم سرش
به نجات دادن کونش
گرم بوده و منو
شناخته.

...همکار؟



یکی رو پیدا
کردم که بهت
کمک کنه.



عکسش رو برات
فرستادم، حواست باشه
حتما چک کن

یک روز بعد از اینکه از
مدیر لی شنیدم یه
همکار واسم انتخاب
کردن.

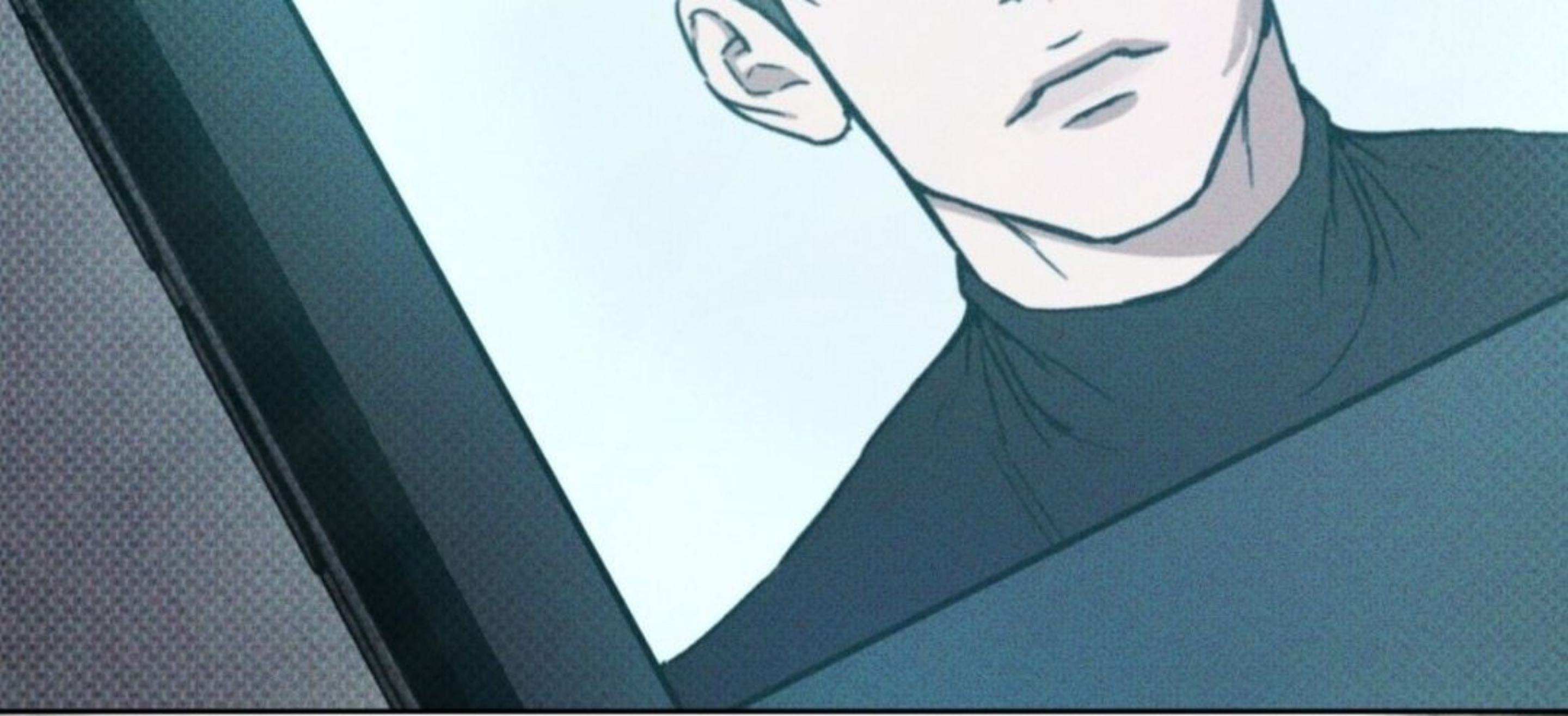


دو تا عکس برام
ارسال شد.

یک عکس
از ژنیا.

و عکس دیگه.
از مردی که الان
رو به رومه.





و تصادفا همون موقع
که عکس ژنیا رو دیدم،
سر و کلاهش پیدا شد...



لین منم،
مگه نه؟



فکر می‌کردم اون
یارو همکارمه.

شنیده بودم که قراره
از طرف همکارم باهام
تماس گرفته بشه.

و هیچ شکی به دلم راه
ندادم. چون از همون
روز اول کلی بهم کمک
کرد.

چطوریه
نفر می‌تونه انقدر
دورو و حقه‌باز باشه
آخه؟

سازمان هم
همینطور، چطور تونستن
عکس‌هایی به اون مهمی
رو اشتباه ارسال کنن؟

چرا تا الان
هویتت رو برام
فاش نکردی؟



مگه اصلا فرصت
داشتیم؟ اگه زمان داشتیم،
پس چرا خودت زودتر
نگفتی که کی هستی؟

از کدوم جهنم
دره‌ای می‌تونستم بهت
برسم؟ تو همش نزدیک
بوگدانوف بودی.

گفتم بذار صبر کنم
تا تنها شه، ولی هر دفعه که
بهت نزدیک می‌شدم یه جوری
رفتار می‌کردی انگار
روح دیدی!



سعی کردم توی
یه مکان خلوت گیرت بیارم
و برات توضیح بدم، ولی کم
مونده بود منو بفرستی
اون دنیا!

گرفتمش
و بهش گفتم نره
توی آب.





یادت رفته زیر
آب داشتی چه غلطی
می کردی؟ انقدر محکم منو ننگه
داشته بودی که داشتم
از هوش می رفتم.



شاید فکر
کنی دارم بهونه
میارم، اما...

منم
کم بدبختی
نکشیدم...



هااا

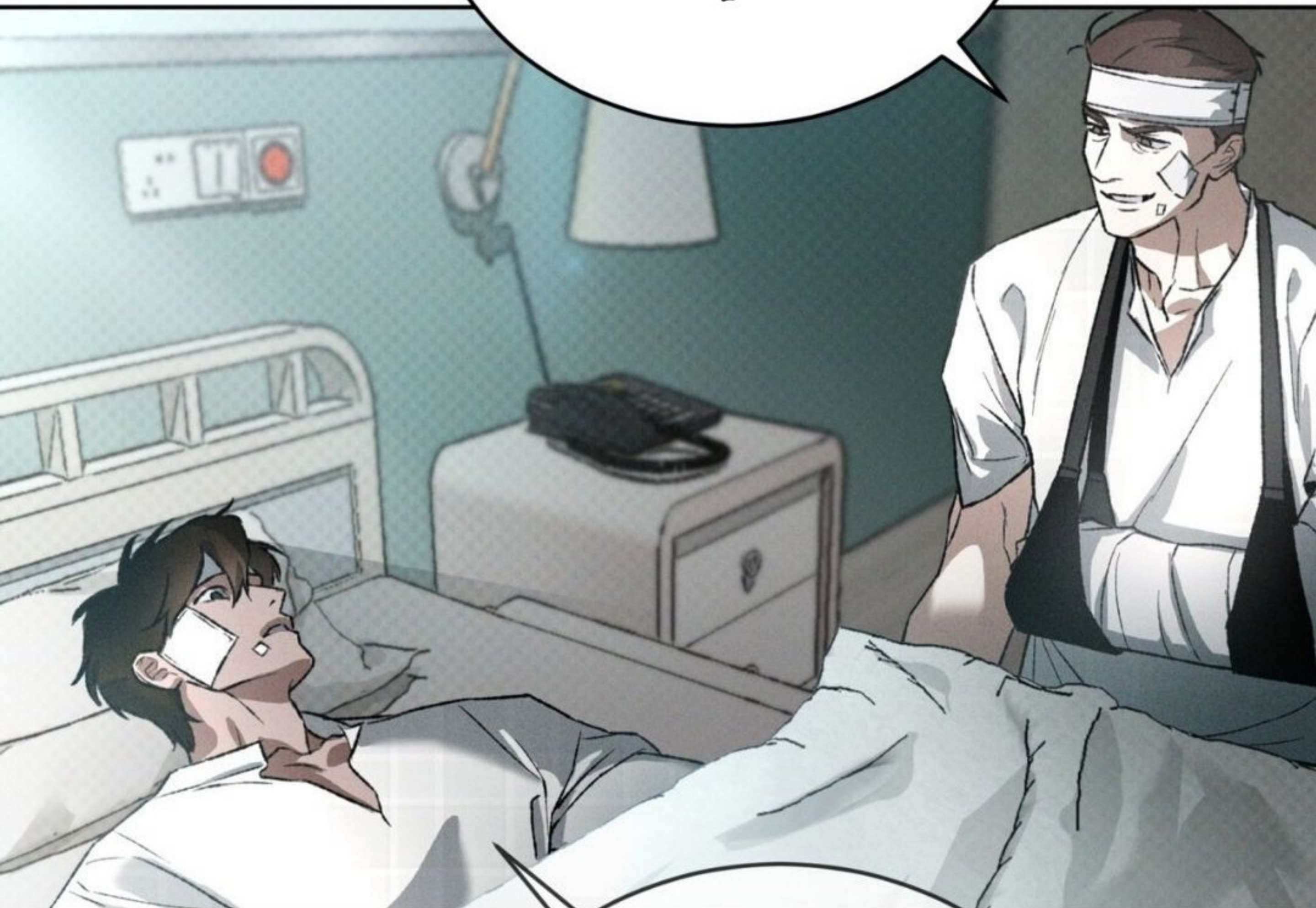
جدی جدی
انگار دارم بهونه میارم.
به هر حال شرمنده که
نشناختم.

واقعا
بابتش معذرت
میخوام

کاری از تیم
ترجمه و ادیت آنوبی سکای
ما رو فقط در کانال تلگرامی
@AoiSekai
دنبال کنید

فکر نمی‌کنی
بخاطرش مسخرم کنن؟
آخه خیلی مطیعانه دارم
بهش اعتراف میکنم.

تنها چیزی
که طی این چندروز از
ولگردی دستگیرم شده
همینه.



منم یه چندباری
تا پای مرگ رفتم، چون
یکی دیگه رو با همکارم
اشتباه گرفتم.

اگه این آرومت
نمی‌کنه می‌تونم بجاش
چندبار منو بزنی تا دلت
خنک شه.

هلل

چی؟



فرد

کات





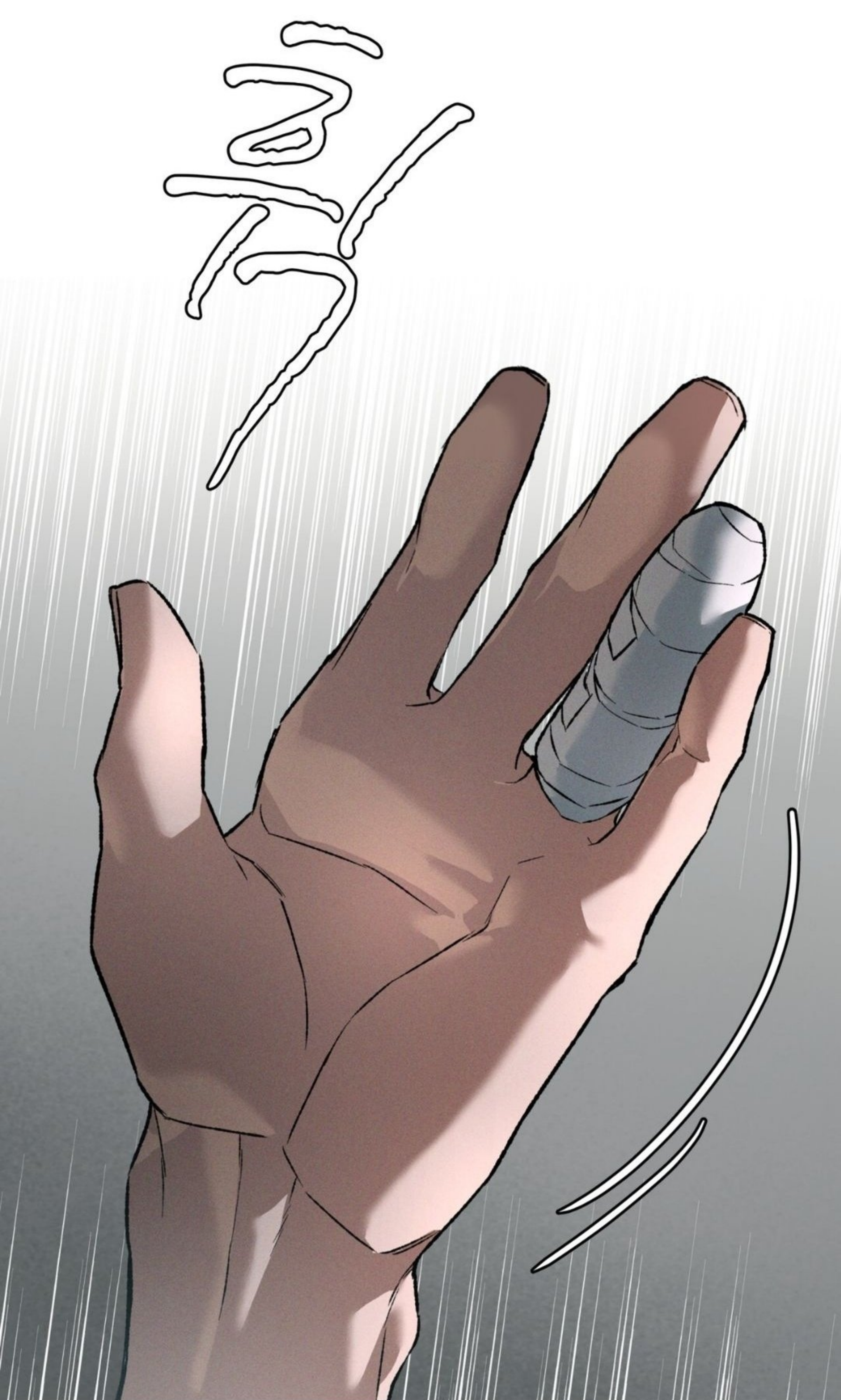
دلم...
می‌خواد تا می‌خوری
بزنمت.

ولی باید
هواتو داشته باشم،
اینم از شانس
ماست.



آخه چنین
آدمی چرا باید انقدر
چنین چیزی رو جدی
بگیره؟







...چی؟

گوشتات مشکل دارن؟ مگه اولین باریه که چنین چیزی رو تجربه می کنی؟

قطع نشده؟

آخه چرا باید قطع شه؟

فیلم مافیایی
زیلادی پیشیا.



.....

قبل اینکه از هوش برم،
یه درد خیلی وحشتناک
رو دور انگشتم حس
کردم.



ولی فقط یہ
شکستگی معمولیہ...

هر ۱۰ تا
انگشت مورگان قطع
شده بود، نه؟



آره، ولی
اون مرده. تو سرو
مرو گنده اینجا
نشستی.

نمی فهمم چرا
بخاطر اینکه انگشتات
هنوز سر جاشونن
ناراحتی.

اصلا
چجوری اومدم
اینجا؟

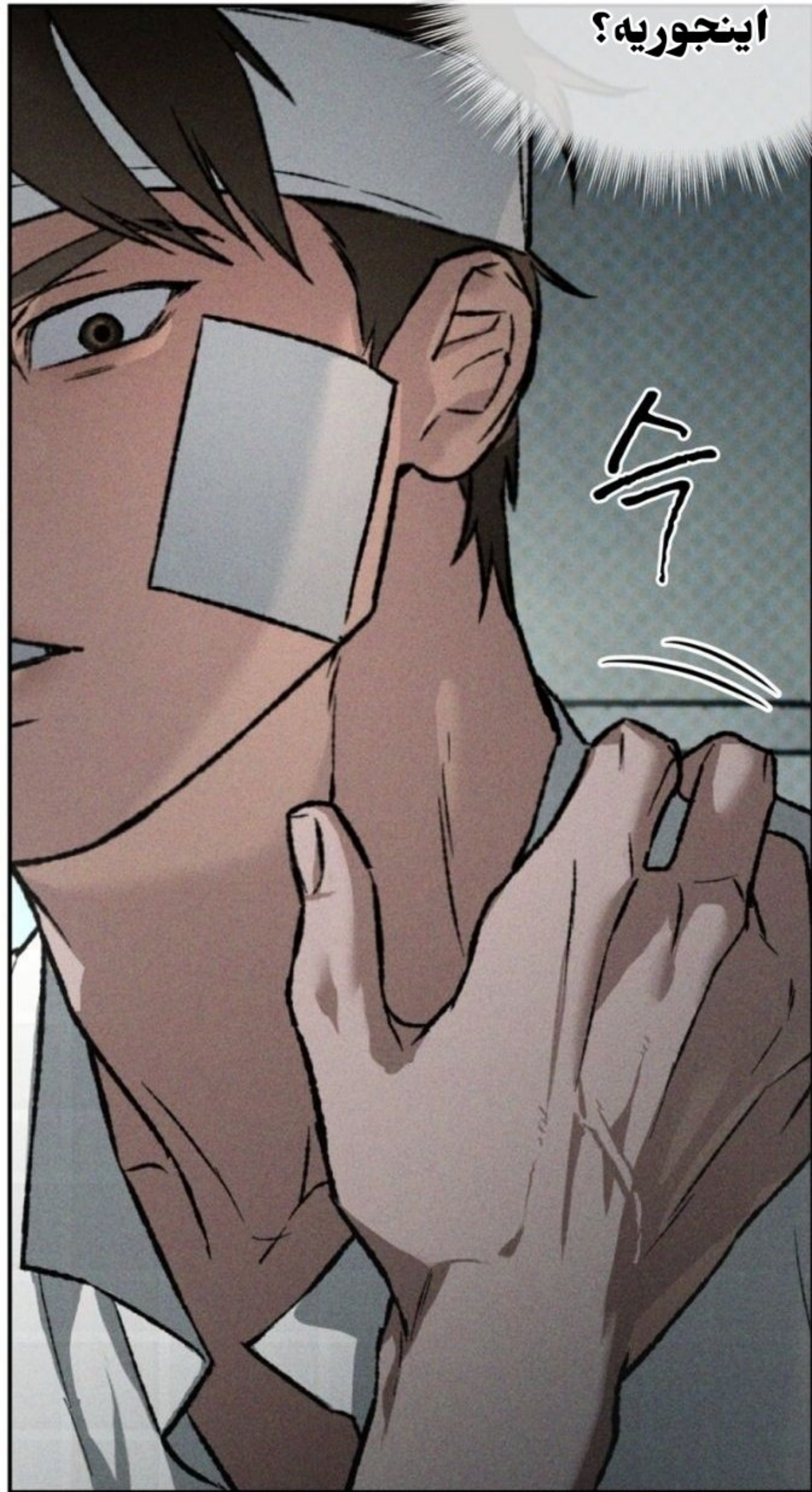
انگار کنار
یه رودخونه نزدیک
جزیره‌ی اولخون ولت
کرده بودن.

درست همون
موقع خونواده‌ی
بوگدانوف رفتن
اونجا.

یکی از
مامورامون داشت
تعقیبشون می‌کرد
که تورو اونجا پیدا
کرد.

دکتر گفت اگه
فقط یکم دیرتر پیدات
می‌کردن دیگه قلبت
وایساده بود...

نه، واقعا...
اینجوریه؟



لابد بخاطر
پلاتینیوم-۲۱۰ ای
که بهم تزریق شده
بود، نه؟



کی اینو
بهت گفته؟

خب، ژنیا
اون موقع واضحا
داشت...

ژنیا همون
مرتیکه‌ی روانیه؟



اوگنی ویساریونوویچ
بوگدانوف، مگه رفیقته
که اینجوری صداش
می کنی؟

ژنیا، ژنیا...

آخه چطور
می تونی چنین آدمی رو
بایه چنین اسم مستعار
صدا کنی؟

اسم
مستعار...؟

حتی فکرو
فامیلشم جرئت ندارن
اینجوری صداش کنن.

Нікоп...

.....

از همون روز اول
خودشو با اسم ژنیا
پشمر معرفی کرد.



ژنیام

حالا درستیه که
می‌دونستید ژنیا
اسم واقعی‌ش
نیست.

فکر می‌کردم فقط چچو
یه تاجر اسلحه‌ست داره
هویت اصلیشو از
پنهون می‌کنه.

از طرفی هم می‌دونستید
که سایکی به‌گدانوف به
بدنامی معروفه.

سایکی
بو گدانوف درست
مثل یه سلاح هسته‌ای
زنده‌ست.



بوگدانوف یه فامیلی
روسیه‌ایه.



가웃

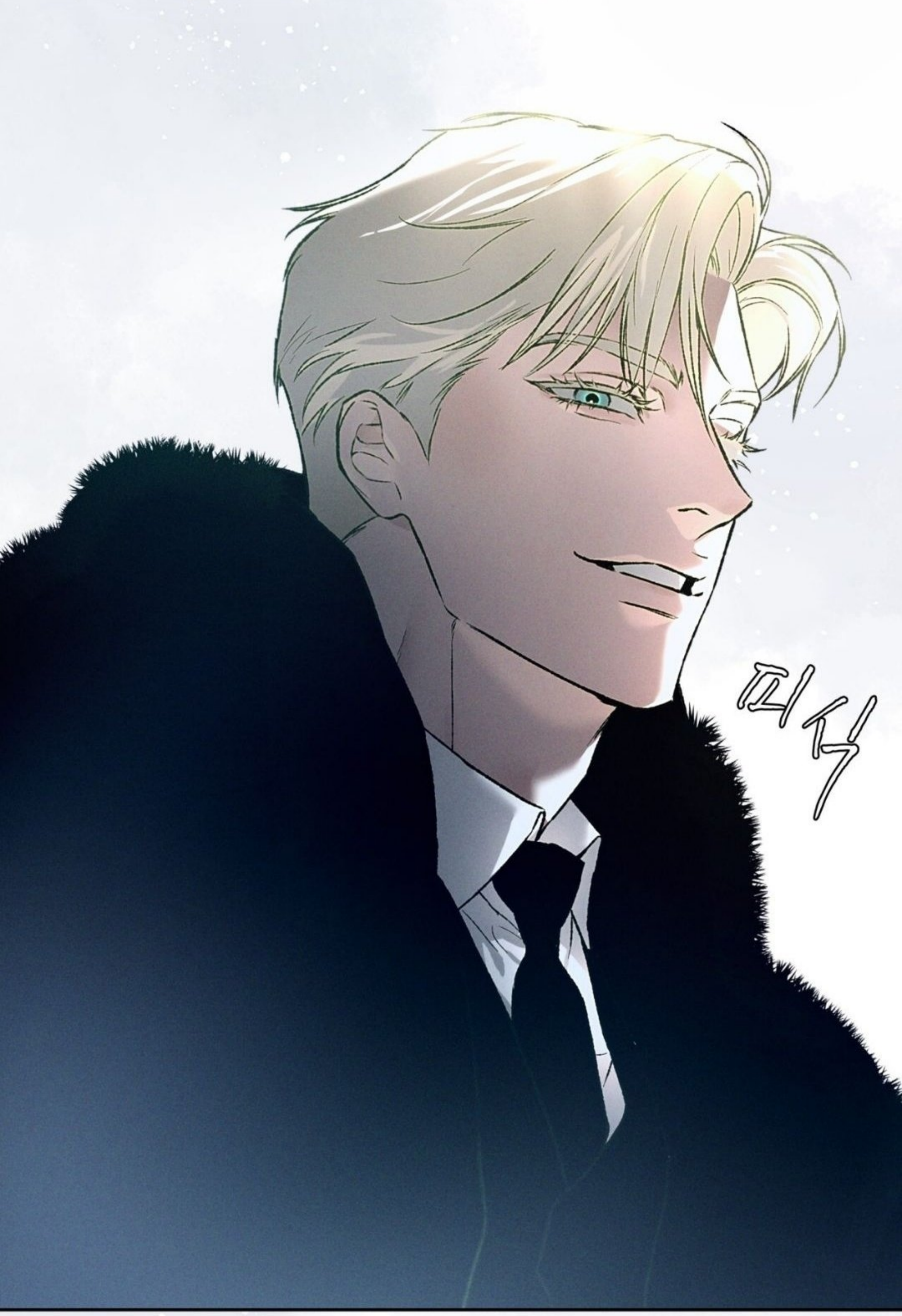
سایکی
هم یعنی یه آدم
روانی...

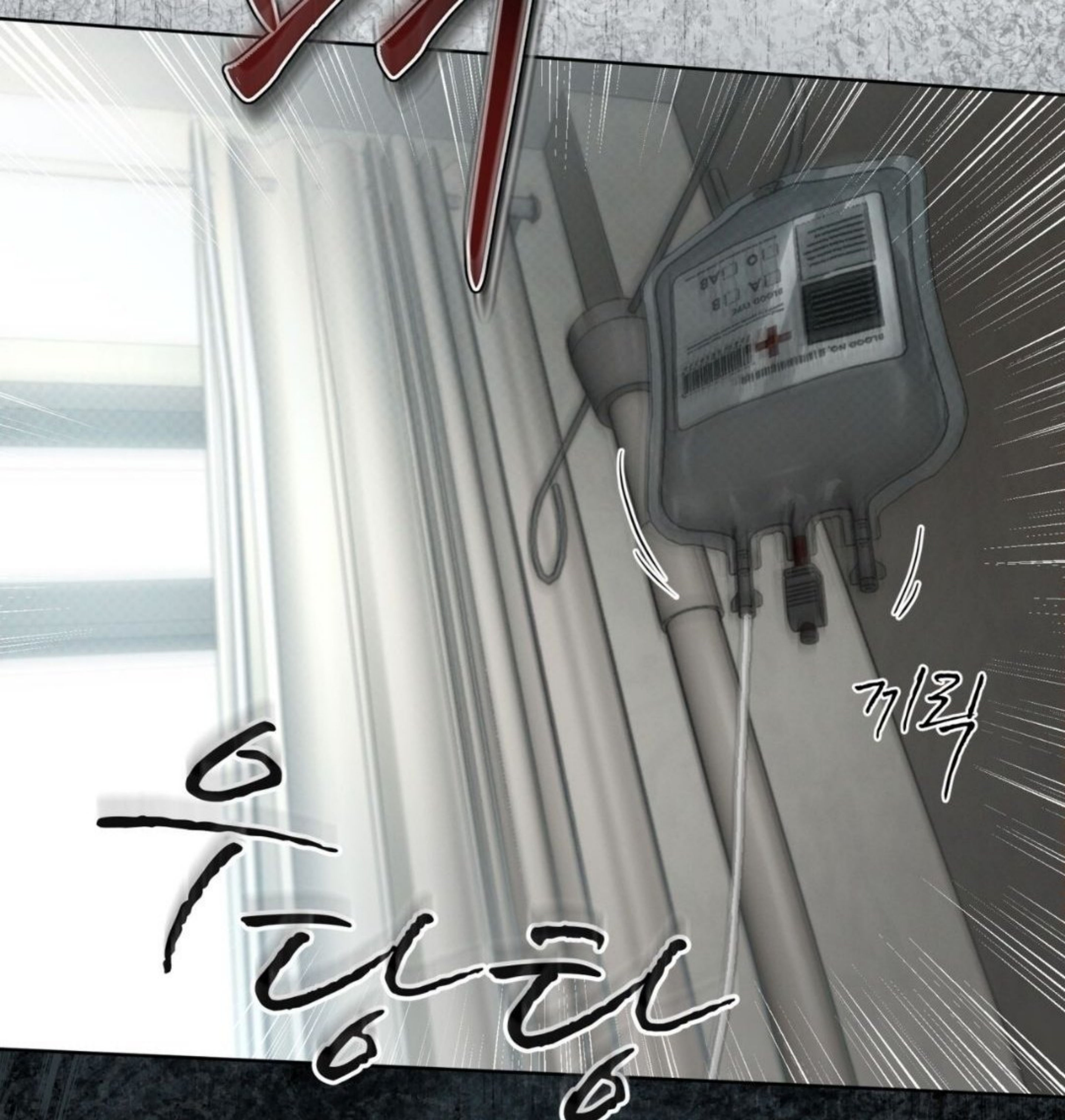
ولی با این وجود یادش
رفته بود که "سایکی"
باید یه اسم واقعی
هم داشته باشه.

پس لقب "اوگنی" یا همون "ژنیا" بووه.

طبیعتا فقط
اسم مستعارش رو
بهم گفته بود...

هدفش
از این کار چی
بوده؟





ای لعنتی!

ادامه دارد...

سلام

این فایلی که هم‌اکنون خوندید،
توسط تیم بزرگ تلگرامی

Aoisekai

ترجمه و ادیت شده و برای شما
و بقیه افرادی که به مانهوا
خوندن علاقه دارن آماده
شده.

تیم آئویی سکای فقط و
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی رویکا، سروش،
ایتا، اینستا و بقیه پیام‌رسان‌های داخلی و
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،
بدونید بدون اجازه‌ی تیم ما گذاشته شده
و این کار دزدی محسوب میشود و به
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/Aoisekai)